

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : ۹۲/۰۶/۱۷

موضوع: درباره حدیث انا مدینه العلم و علی بابها

آقای محسنی:

بسم الله الرحمن الرحيم.

با صلوات بر محمد و آل محمد.

سلام عرض می کنم بینندگان عزیز هر کجای عالم هستید امیدواریم در صحت و عافیت باشید دهه ی کرامت را که مصادف است با میلاد با سعادت ولی نعمت ما حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها و برادر بزرگوارشان حضرت امام رضا علیه السلام را خدمت شما عزیزان تبریک و شاد باش می کنم.

امیدواریم خداوند این ایام را بر ما مبارک بگرداند و عیدی ما را فرج امام زمان علیه السلام قرار بدهد.

ممنون هستیم که این برنامه را در این ایام مبارک انتخاب کردید و امیدواریم که این برنامه مفید باشد

برای شما و ان شا الله تا پایان برنامه ما را همراهی بفرمایید.

برنامه ی حبل المتین که در هفته یک شب تقدیم شما عزیزان می شود شب های دو شنبه هست که

تکرارش را عزیزان در دو وعده دیگر هم مشاهده می کنند.

ما در این برنامه قصد داریم تاریخ اسلام را در مطع نقد و بررسی قرار بدهیم و در یک؟؟؟عالمانه

اتفاقاتی را که در صدر اسلام به وجود آمده را برای شما عزیزان مطرح بکنیم.

ما عمده مطالبی را که تقدیم شما عزیزان می کنیم از کتب برادران اهل سنت هست این را بارها عرض کردیم به خاطر این است که هم حقانیت ائمه علیهم السلام را به همگان منعکس بکنیم هم که برادران عزیزمان راحت تر ارتباط برقرار بکنند.

ما خواهش می کنیم از عزیزان اهل سنت و شیعیان لطف کنند با عینک حقیقت بین این مباحث را پیگیری بکنند که فردای قیامت اگر از ما سوال می شود مباحث علمی و حقیقی را از ما سوال خواهند کرد. به دور از احساسات و تعصبات ان شا الله این برنامه را پیگیری بفرمایید.

و الحمد لله این طور که ما داریم مشاهده می کنیم و می بینیم برنامه ها را و عزیزانی که حالا استفاده می کنند از برنامه ها جای امیدواری و خوش بختی هست که الحمد لله توانسته ایم بخشی از علوم و معارف اهل بیت علیهم السلام را تقدیم همگان بکنیم.

ان شا الله به دعای خیر شما عزیزان هم این برنامه گسترش پیدا بکند و عمق پیدا بکند و عزیزان ما راحت تر ارتباط برقرار بکنند.

ما و برادران اهل سنت دعوا و جنگی نداریم و فقط می خواهیم مباحث علمی را مطرح بکنیم اگر چه امروز وهابیت آمده است و بنیه ای شده برای اسلام و عزیزان اهل سنت و شیعیان مواظب باشند که این ها فاصله بین ما ایجاد نکنند.

ان شا الله امیدواریم عزیزان ما با توجه عمیقی که به برنامه خواهند داشت مباحث را پیگیری بکنند و تا پایان برنامه همراه ما باشند ما در خدمت کارشناس عزیز حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی هستیم. سلام و عرض ادب دارم خدمت استاد عزیزم.

آقای قزوینی:

سلام علیکم و رحمت الله و برکاتو.

بنده هم خدمت همه ی بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی که در هر کجای این کره ی خاکی ما را مهمان کانون گرم خانواده خویش قرار داده اند خالصانه ترین سلامم را تقدیم می کنم و موفقیت همه ی عزیزان را از خدای منان خواهانم.

و از خدای عالم مسئلت می کنم گرفتاری همه را بر طرف نموده حوائج همه را بر آورده کند و دعای همه ی ما را به اجابت برساند ان شا الله.

و امیدوارم که عزیزان هم ما را از دعای خیر فراموش نکنند.

آقای محسنی:

ممنون و سپاس گذاریم حاج آقا این فرصتی را که در اختیار ما و بینندگان عزیز قرار داده اید. اگر خاطر شریف شما عزیزان باشد و هم پیگیری مباحث برنامه ی حبل المتین را داشته باشید گر چه حالا در جلسه ی قبل هم به خاطر ویژه برنامه ی شهادت امام صادق علیه السلام نتوانستیم خدمت شما باشیم. اما سلسله مباحث ما ادامه دارد سلسله مباحث ما پیرامون عدله ی عقلی امامت بود که عرض کردیم که اعلامی اهل سنت سه تا شاخص اصلی را برای امامت جامعه قرار دادند و آن این بود که علم و شجاعت و عدالت را گفته بودند و در کتاب هایشان نوشته بودند که باید یک حاکم اسلامی داشته باشد.

ما قسمت اول بحث که بحث علمی بود و بحث عالم بودن و اعلم بودن ولی مسلمین را مطرح کرده بودیم از دیدگاه اهل سنت و پیرامون این شاخص مباحث و احادیثی را خدمت شما عزیزان عرض کردیم. در حدیث.

انا مدینه العلم و علی بابها.

که جلسات مفصلی خدمت شما بودیم که ان شا الله می خواهیم یواش یواش مباحث و این بسته ی حدیث.

انا مدینه العلم.

را هم جمع بکنیم و به عنوان یک بسته ی آموزشی تقدیم شما عزیزان بشود چند جلسه ی دیگر ان شا
الله این را تمام بکنیم تا عزیزان ما بدانند که اگر ما حدیث.

انا مدینه العلم.

را خدمت شما عرض می کنیم به عنوان سند حقانیت و علمیت حضرت امیر علیه السلام بعد از حضرت
رسول را داریم برای شما تقدیم می کنیم که عزیزان ما ان شا الله ارتباط خوبی بر قرار بکنند با این احادیث ما
این حدیث را که مطرح کردیم زوایای مختلف در باره ی این حدیث مطرح شد.

که من از حضرت استاد خواهش می کنم مقداری بر این که ارتباطمان با قبل هم بر قرار بشود یک
مختصری از مباحث قبل بفرمایید که عزیزان بیننده ارتباط بر قرار می کنند ان شا الله سوالات بعدی از حضرت
عالی داشته باشیم.

آقای قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم.

بسم الله الرحمن الرحيم.

و بنستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و صلاه على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا
بقية الله و لعن دائم على اعدائهم اعداء الله الى يوم لقاءه الله و فوض امرى على الله ان الله مسير بالعباد حسبنا الله
و نعم الوكيل و نعم مولا و نعم النصير يا ابا صالح المهدي ادرکنا.

من قبل از این که نسبت به سوال برادر بزرگوارم جناب آقای محسنی اشاره کنم لازم می دانم چند نکته
ای را برای بینندگان عزیز خیلی به اجمال اشاره کنم.

ما الان سال ها است جامعه ی اسلامی را نسبت به خطر وهابیت گوش زد می کنیم و بار ها گفته ایم که
این وهابیت هیچ گونه ارتباطی با قرآن و با اسلام و مسلمان ها ندارند این ها فقط مسلمان خودشان را می
دانند.

اگر قدرت پیدا بکنند شیعه سنی مسیحی یهودی همه را از دم شمشیر می گذرانند و این ها به ظاهر دارند قرآن را یدک می کشند اسلام را یدک می کشند و در سایه سار اهل سنت دارند خیلی از مقاصد شوم خودشان را پیاده می کنند.

شاید برای بعضی از عزیزان اهل سنت سخنان یا قابل قبول نبود و یا حمل بر مبالغه می کردند و یا می گفتند نه این ها هم یک فرقه ای از اهل سنت ولی در این قضایای اخیر مخصوصا هفت هشت سال اخیر این ها ماهیت خودشان را نشان دادند.

و کشتاری که از اهل سنت داشتند در این انفجار ها و انتحار ها و قلب یک مسلمانی را در آورده اند جلوی میلیون ها و میلیارد ها انسان آن وحشی گری خودشان را اثبات کردند در قضیه ی مصر کاملا از پشت به یاران خودشان خنجر زدند و بعضی از فتاویی که حضرات اعلام کردند که واقعا ما خجالت می کشیم این ها را مطرح کنیم.

تحت عنوان جهاد نکاح دختران مردم و ناموس مسلمان ها را می فرستند جبهه هایی که تروریست ها در سوریه دارند و بهانه یشان این است که نمی دانم این رزمندگان ما چون مبتلا به عمل لوات بودند برای این که از این عمل قوم لوت خلاصه کنار بیایند.

بر زن ها و دختران مسلمان ها واجب هست که در این جهاد شرکت کنند.

فسادش دیگر عالم گیر شد اعلامی بزرگ از مراکش از یمن از تاجیکستان و غیره همه اعلام کردند که این فتوا فتوای ضد اسلامی است ضد بشری است زنایی بیش تر نیست که در چند روز قبل یکی از روزنامه های النهار بود که در صفحه ی اولش تصویر یک خانمی را از عربستان سعودی انداخت گفت که من آن جا نمی دانم ده دوازده نفر از فرماندهان از مصر تونس الجزایر عراق با من رابطه ی جنسی داشتند و الان من حامله هستم نمی دانم از که حامله هستم.

آیا این فاجعه نیست؟

آیا این جنایت بر بشریت فرا تر از اسلام نیست؟

من نمی دانم تا چه اندازه صحت دارد یا ندارد که ان شا الله این اخبار دروغ باشد که در بعضی از خبرها آمد که بعضی از دختران از ایران از استان سیستان بلوچستان به عنوان جهاد نکاح رفته اند و خیلی از عزیزان ما از این عمل براءت جستند و گفتند مایه ی شرمندگی است برای ما.

الا ایها حالا عزیزان اهل سنت آقایان وهابی ها حداقل یک مقداری دقت کنیم ما گوش زد کنیم ما عزیزان مولوی ها عزیزان ماموسته ها در خطبه های نماز جمعه و در سخنرانی ها اعلام کنید که این فتوا فتوای ضد قرآنی ضد اسلامی ضد بشری است.

و این ها بی غیرتی این افراد را نشان می دهد و گرفتار کردن جامعه به فحشا را نشان می دهد دشمن هم همین را می خواست دشمنان اسلام دشمنان قرآن دشمنان مسلمان ها دنبال این بودند به یک نوعی فساد فحشا را در میان مسلمان ها رواج بدهند.

و آن به اهداف خودشان با این کارها رسیده اند.

و لذا من احساس می کنم امروز مسئولیت این عزیزان و اعلمای بزرگوار اهل سنت حتی اعلمای وهابی آن هایی که واقعا به غیرت بشری پایبند هستند که ما معتقد هستیم نود و نه درصد حتی وهابی ها هم بحث غیرت ناموسی پیابند هستند.

حالا یک چند تا مثل عریفی و امثال این می آید این ها هم به قولی گاهی به میخ می زنند گاهی به نعل می زنند.

الا ایها حالا این ها را نه سنی می دانیم نه مسلمان می دانیم این ها را خارج از اصلا بشریت می دانیم با این فتاوی خودشان اگر واقعا عریفی و دیگران راست می گویند اگر واقعا در سوریه این تروریست ها دارند واقعا جهاد می کنند این ها کجا مرده اند چرا عریفی خودش نمی رود لباس رزم بپوشد؟

مثل قضیه ی حوصی ها که رفت آن جا در یک گوشه ای کلک زد و یک لباس رزمنده پوشید برای این که عکس بندازند از آن برود روی سایت ها آقای عر عور کجا است؟

چرا بچه های عر عور نمی روند به جبهه ها؟

چرا فرزندان و برادران آقای عریفی و دلیمی و همین آقای عبد الله حیدر و این ها کجا مرده اند؟

اگر واقعا راست می گویند چرا نمی روند جهاد؟

اگر واقعا جهاد خوب است این ها را واقعا جهاد فی سبیل الله می دانند خودشان هم بروند آن جا دیگر

حداقل ما ببینیم که این آقایان هم خلاصه سرشان تهشان دستشان پایشان هم یک جا تیر خورده است.

به قولی مجروح جنگی شده اند و اعلام کنند بر این که بله این آقایان هم رفته اند آن جا و به گفتار

خودشان پایبند هستند.

رسول گرامی فرمان جهاد می داد در قالب جنگ ها شخصا خودش هم شرکت می کردند.

این آقایان در طول این مدت کجا بودند؟

مرگ خوب است برای همسایه و لذا من از عزیزان اهل سنت تقاضا دارم در این زمینه اطلاع رسانی

بکنند و بحثی که الان امروز در سوریه و یا در مصر مطرح است در عراق مطرح است در افغانستان مطرح است.

این ها بحث بحث اسلامی نیست بحث ایمان کفر است بحث ایمان و نفاق است و این ها می خواهند

امروز با این کارشان اختلافی میان شیعه و سنی راه بندازند و آبروی اسلام را ببرند و آبروی مسلمان ها را ببرند.

ما یک مقداری هوشیار باشیم و بیدار اما در رابطه با سوال برادر عزیزم جناب آقای محسنی بزرگوار در

این جا باید من اشاره کنم ما در رابطه با حدیث.

انا مدینه العلم و علی بابها.

از مصادر متعدد عزیزان اهل سنت این مسئله را نقل کردیم از چهار ده نفر از بزرگان اهل سنت صحت

روایت را نقل کردیم.

هشت نفر از بزرگان اهل سنت که گفتند که اصلا.

مدینه العلم.

از القاب امیر المومنین سلام الله عليه است و ما هم آمده ایم در کنار این قضایا افرادی که اشکال سندی کرده بودند مثل جناب آقای ذهبی عین عبارتش را نقل کردیم و نقد کردیم.

و گفتیم یکی از کسانی که اشکال کرده است آقای ابن تیمیه ی حرانی است سر کرده ی منافقین و گمراه گران که ان شا الله عبارت هایی از بزرگان اهل سنت در این زمینه ان شا الله خواهیم خواند. ایشان آمدند مطرح کردند بر این که اصلا این قضیه ی.

انا مدینه العلم و علی بابها.

هم اشکال سندی دارد که این از احادیث جعلی و دروغین است و هم این که متنش مورد اشکال است و از آن طرف هم آمد گفت هر کس بگوید علی ابن ابی طالب اعلم و افقه هست از ابو بکر و عمر این خلاصه از جاهل ترین انسان ها و دروغ گو ترین انسان ها است.

حالا ان شا الله این را هم عرض می کنیم که این در حقیقت هم اهانت به نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که ان شا الله روایاتی از صحاح سته ی آقایان خواهیم خواند و هم بزرگان اهل سنت و هم صحابه که در این زمینه اتفاق نظر دارند.

و حتی خود عایشه به صراحت اعلام می کند که آگاه ترین افراد به فقه و سنت پیغمبر علی ابن ابی طالب است که از دیدگاه آقای ابن تیمیه می گوید این ها همه از جاهل ترین دروغ گو ترین انسان ها هستند. از آن طرف هم می آید حدیث.

انا مدینه العلم.

را بدون هیچ دلیلی زیر سوال می برد می رود حدیث.

اقتدو باللدین من بعدی ابو بکر و عمر.

و نمی دانم .

علیکم بسنه و سنه الخلفاء راشدین بعدی.

را ایشان مطرح می کند و با این شکل می خواهد خلاصه به یک نوعی آن عدوات و کینه قلبی خودش را

نسبت به صاحت مقدس امیر المومنین سلام الله علیه نشان بدهد.

آقای محسنی:

ممنون هستیم حاج آقا، حاج آقا با توجه به این فرمایشات حضرت عالی و این چیز هایی که از آقای ابن

تیمیه نقل کرده اید به صورت مختصر این ناصبی بودن و نصب بودن آقای ابن تیمیه را برای ما ثابت می کند.

مخصوصا این صحبت هایی که حضرت عالی از حضرت رسول و عایشه نقل کرده اید نسبت به حضرت

امیر برتری ایشان در جلسه ی گذشته هم سخنانی از حضرت عالی نقل شد و شما بیان فرمودید از اعلمای اهل

سنت مبنی بر زندق بودن آقای ابن تیمیه می شود.

اگر لطف بفرمایید برای بینندگان عزیزمان که آیا از اعلمای اهل سنت صراحتا به نفاق آقای ابن تیمیه

نقل شده است مطرح شده است و آمده یا نه؟

این را برایمان نقل می کنید.

آقای قزوینی:

در رابطه با این که ما گفتیم ابن تیمیه زندق و ملحق است از بزرگان اهل سنت روایاتی را نقل کردیم

کاملا مستند و کاملا منطقی یک عبارتی هم از اعلمای شیعه ما نقل نکردیم اما در رابطه با این که چرا ایشان

منافق است؟

باز اگر دوستان مانیتور من را محبت بکنند ابن حجر عسقلانی هست متوفی پنجاه و دو دیگر من گمان

نمی کنم هیچ عزیز اهل سنتی باشد که نسبت به ابن حجر عسقلانی اطلاعی و آگاهی نداشته باشد.

ایشان در کتاب الدرر الکامنه ایشان چاپ مصر صفحه ی صد و پنجاه و پنج جلد اول چاپ دائره المعارف عثمانیه صیدر آباد هند صفحه ی صد و هشتاد و یک ایشان می گوید بعضی از افراد ابن تیمیه را به نفاق نسبت داده اند.

به خاطر این که علی ابن ابی طالب در هفده مورد خطا رفته است بر خلاف سنت عمل کرده است و هم چنین برگشته است گفته است که.

علی کان مخذولا حیثما توجه.

نستجیر بالله علی هر کجا که می رفت غیر از ضلت و برای او چیز دیگری نبود بارها تلاش کرد خلافت را به دست بگیرد ولی نتوانست البته این را برای بعضی از وهابی ها که می گویند علی ابن ابی طالب اگر خلیفه بود چرا برای به دست آوردن خلافت خودش تلاش نکرد .

ابن تیمیه دارد می گوید:

حاول الخلافه مرارا فلم ینلها.

بارها خواست خلافت را به دست بگیرد ولی نتوانست.

بعد با کمال بی حیایی می گوید:

انما قاتل للرئاسه لا للدیانه.

علی ابن ابی طالب تمام جنگ هایش برای ریاست طلبی بود نه برای دیانت خواهی اصلا اسلام علی

ارزشی ندارد ابو بکر پیر مرد بود اسلام آورد می فهمید اسلام چه است؟

ولی علی ابن ابی طالب بچه بود اسلام بچه که ارزش ندارد یعنی پیغمبر اکرم که آمد اسلام علی ابن ابی

طالب عرضه داشت پیغمبر متوجه نبود علی ابن ابی طالب که اسلام آورد پیغمبر قبول کرد باز پیغمبر به اندازه

ی ابن تیمیه متوجه نبود که اسلام بچه ارزش ندارد.

و لذا ابن حجر عسقلانی می گوید به خاطر این اهانت هایی که به امیر المومنین دارد.

فالموه بالنفاق.

گفتند آقای ابن تیمیه آدم منافق است پس چرا به خاطر سخن پیغمبر اکرم که فرمود یا علی.

لا بیغضک الا منافق.

حدیث صد و چهل و چهار صحیح مسلم این از آقای ابن تیمیه ی حرانی اما جناب آقای غماری که از

اعلمای بزرگ اردن است و از فارق التحصیلان دانشگاه الاظهر است متوفی هزار چهار صد و سیزده است یعنی

حدود سی سال قبل ایشان می گوید ابن تیمیه در منهاج السنه اش گفته است علی ابن ابی طالب نستجیر بالله

نستجیر بالله آدم شوم و ذلیل بوده.

و تلک کلمه فاجره.

و این سخنان فاجر و وقیه است.

تنبی عما فی قلب قائلها من حقد علی وصی النبی.

این نشان گر این است که ابن تیمیه در قلبش کینه و عداوت علی ابن ابی دارد سمیر صالحین صفحه

ی هفتاد و هفت مکتب القاہره مصر چاپ هزار و سی هشتاد و هشت جناب حسن بن فرحان مالکی از اعلامی

بزرگ عربستان سعودی هست.

من گمانم بینندگان عزیز با اسم و شخصیت ایشان آشنا هستند و ایشان در شبکه ی المستقله چندین

بار برای مناظره حضور داشتند.

در بعضی از شبکه ها ی دیگر هم خلاصه ایشان حضور داشتند یک آدمی است مالکی مذهب و حتی

بعضی ها او را صلفی هم می دانند.

الا ایها حالا می گوید ابن تیمیه را در عصر خودش به اتهام کینه ی علی محاکمه کردند و در این که او را

به نفاق متهم کردند این طوری نبود ایشان ناصبی بود نه منافق آن هایی که گفتند ابن تیمیه ناصبی است حرف

درستی زدند چون آقایان می دانند ناصبی ها یک سر و گردن از منافقین.

آقای محسنی:

بالا تر است.

آقای قزوینی:

بالا تر هستند بعد ایشان می گوید بر این که ناصبی است به خاطر این که آمده گفته است که علی برای ریاست جنگیده است نه برای دیانت اصلا اسلام علی مشکوک است به خاطر صغر سنش و آمده است با کمال بی حیای گفته است که تواتر اسلام معاویه و یزید بن معاویه بزرگ تر از تواتر اسلام علی ابن ابی طالب است.

دیگر باید گفت:

انا لله و انا علیه راجعون.

بعد ایشان می گوید این حرف هایی که ایشان زدند.

ان لم تکن هذه الاقوال نصباً فليس في الدنيا نصب.

اگر سخنان ابن تیمیه نشان گر ناصبی بودن نباشد پس ما در دنیا نصب و ناصبی نداریم این چقدر حرف زیبا و قشنگی است می گوید اگر سخنان ابن تیمیه نصب نباشد و ابن تیمیه ناصبی نباشد پس ما در دنیا نه ناصبی داریم و نه ناصبی داریم.

باز جناب غماری فارغ التحصیل دانشگاه الازهر ایشان می گوید:

فقیح الله ابن تیمیه و اخزاه و جزاه بما يستحق.

خدا ابن تیمیه را زشت و خار و ذلیل کند و آن چه که مستحق است خدا به او کیفر دهد.

و الحمد لله قد فعل.

خدا الحمد لله این چنین کرد او را خار کرده است.

بعد این دیگر سخن شیعه نیست سخن یک فارغ التحصیل الازهر و سنی است می گوید:

اذ جعله امام كل ضال مضل بعده.

عزیزان اهل سنت قشنگ دقت کنند که خدای عالم ابن تیمیه را پیشوا و امام تمام گمراهان و گمراه کنندگان بعد از خویش قرار داده است چقدر تعبیر قشنگی است می گوید امام تمام گمراهان و گمراه کنندگان بعد از خویش.

و جعل كتب هادیه الی الضلال.

کتاب های ابن تیمیه عامل گمراهی است هر کس به طرف کتاب های ابن تیمیه روی آورد.

صار امام ضلاله فی عصره.

پیشوای گمراهی عصر خویش قرار گرفت.

این هم از آقای ابو الفیض غماری شافعیه فارغ التحصیل الازهر که کتاب البرهان الجلی صفحه ی پنجاه

و سه و اما باز از جناب آقای غماری که وقتی می آید به شاگرد ابن تیمیه ابن قیم جوزی می رسد می گوید:

كتب شیخه ابن تیمیه.

کتاب های استادش ابن تیمیه.

فانها مظلومه بخبث طویه صاحبها و کبریاؤه و انانیته.

می گوید کتاب های ابن تیمیه به خاطر خبائتی که ابن تیمیه دارد تکبری که ابن تیمیه دارد خود ستاعی

که ابن تیمیه دارد این کتاب هایش همه آن تاریک و ظلمت است.

ما ضل من ضل عن الصراط المستقیم الا بکتبه.

هر کس در این زمان گمراه شده است به خاطر کتاب های ابن تیمیه گمراه شده است.

و جالب این است می گوید:

یکفیک ان قرن الشیطان النجدی و اتباعه و مذهبہ الفاسد ولید افکار ابن تیمیه.

همین بس که مردم بدانند شاخ شیطان نجد یعنی محمد بن عبد الوهاب کلا و مذهبش حاصل افکار ابن تیمیه و گفتار او است.

بینید این دیگر حرف شیعه نیست این آقایان وهابیات و این شبکه هایشان ای کاش بیایند به یکی از این سخنانی که این ها آورده اند پاسخ بدهند و ما ببینیم چه حرفی دارند.

باز جناب آقای غماری می گوید:

بل بلغت العداوه من ابن تیمیه الی درجه المکابره.

دشمنی ابن تیمیه با اهل بیت علیهم السلام به یک مرحله ای رسیده است که جز زور گویی و انکار واضحات چیز دیگری نیست.

فصرح بكل جراه و وقاحه و لوم و نذاله و نفاق و جهاله.

چه تعبیر قشنگی می گوید ابن تیمیه با تمام وقاحت و پستی با تمام بی عقلی و نفاق و با تمام جهالت اعلام کرده است در حق علی ابن ابی طالب ما یک حدیث صحیح نداریم.

بینید آن وقت این آقایان دارند می گویند که بر این که نه ما طرفدار اهل بیت هستیم ابن تیمیه طرفدار اهل بیت است وهابی ها طرفدار اهل بیت است بفرمایید از این حرف جناب آقای غماری جواب بدهید این تعبیر ایشان است.

که می گوید با کمال وقاحت و نفاق و جهالت و پستی اعلام کرده است یک روایت صحیح در فضیلت علی نداریم و آن چه که در صحیح این هم آمده است اصلا فضیلتی مضیتی برای علی اثبات نمی کند.

بینید شما بینید با همچنین آدمی مواجه هستید که نفاق از تمام سر و روی او می بارد و تمام ذرات بدن و سلول های بدن او فریاد می زند از نصب نفاق عداوت امیر المومنین و عداوت اهل بیت سلام الله علیهم اجمعین باز ایشان من عبارت ها چون عبارت ها عبارت های قشنگی بود.

این ها را انتخاب کردم ایشان می گوید ابن تیمیه.

راس المنافقین فی عصره.

اصلا ابن تیمیه سر کرده ی منافقین عصر خودش بوده.

چقدر زیبا دیگر از این واضح تر بعد مطالب متعدد دیگری هست من فقط به بعضی از این ها جناب

آقای ابن عقیل یمنی ایشان هم به صراحت می گوید اصلا ابن تیمیه.

شیخ النصب.

اصلا استاد نصب است.

استاد عداوت با اهل بیت است نه یک فرد عادی نه اصلا استاد است شاگردان نصب را ایشان تربیت

کرده است و ایشان در لجاجت و غلو به جایی رسیده است که می گوید اگر کسی به نبوت یزید ابن معاویه

معتقد باشد افضل است از غلات رافضه.

بینید می گوید اگر کسی معتقد باشد یزید ابن معاویه پیغمبر است و من نمی دانم این عبارت احمقانه

چه است؟

این از غلات رافضه افضل است اصلا مرادشان از غلات رافضه چه است؟

اگر مراد از غلات رافضه همین روایاتی است که در منابع شیعه و سنی آمده است که مرادشان همین

است مراد از آن غلاتی که ما معتقد هستیم که نسبت به امیر المومنین غلو می کنند فقهای ما بزرگان ما در

کتاب های فقهی اصلا غلات را نه تنها شیعه نمی دانند مسلمان هم نمی دانند.

اگر کسی معتقد به نبوت علی یا الوهیت امیر المومنین باشد فقهای می گویند زن دادن به او حرام

است اگر از دنیا برود برای او نمی شود نماز خواند در قبرستان مسلمان ها نمی شود دفن کرد اگر کسی دست

به این ها بزند دستش نجس می شود.

اگر مراد از غلو این است این اصلا حرفی نداریم شیعه سنی همه بر این عقیده داریم و اگر نه مراد از

غلو همان طور که این آقا می گوید یعنی کسی معتقد به امامت امیر المومنین است به خلافت امیر المومنین

است و معتقد است این روایاتی که در صحاح سته و در سنن مسانید در مورد امیر المومنین آمده است این ها به حق است.

این از دیدگاه ابن تیمیه چه است؟

غلات هستند می گوید این غلات این غلات از نظر چیزی پست تر از کسانی هستند که معتقد به نبوت یزید ابن معاویه هستند.

ما به قول شما که این همه از آقای یزید ابن معاویه حمایت می کنید و دفاع می کنید خدا به حق حضرت زهرا ابن تیمیه و طرفدارانش را با یزید ابن معاویه محشور کند ما را هم با علی حتی با قنبر علی محشور کند ما افتخار می کنیم.

باز یکی دیگر از علمای بزرگ الازهر که ایشان می گوید ابن تیمیه.

هو الذی جمع شتات اقوال الخوارج و غیرهم من الملحدین و دونه‌ها رسائل.

ابن تیمیه آمده است اقوال مختلف خوارج و لا مذهب ها و بی دین ها را جمع کرده است و به صورت کتاب در آورده و شاگردان ابن تیمیه هم آمدند این ها را به عنوان یک کتاب دینی از او گرفته اند و منتشر کرده اند.

این هم که جناب آقای ابن عبد ربه فارغ التحصیل الازهر است این هم که باز شیعه نیستند.

باز جناب آقای دکتر صبیح ایشان هم باز از بزرگان مصری است ایشان هم می آید وقتی به ابن تیمیه

می رسد یک تعبیر عجیبی دارد می گوید تمام مسلمان ها به پیغمبر و اهل بیت پیغمبر احترام می کردند.

تا در قرن هشتم ابن تیمیه آمد.

کان بینه و بین النبی و اهل بینه ثارا.

گویا میان ابن تیمیه و میان پیغمبر و اهل بیت خون خواهی است.

اهل بیت و پیغمبر پدر ابن تیمیه را کشته اند گویا بین ابن تیمیه و اهل بیت پدر کشتگی و خون خواهی و عداوت هست.

و هر کجا رسیده به ویژگی های پیغمبر ویژگی های اهل بیت یا کلا نفع کرده است می گوید این ها دروغ است یا نه آمده ارزش او را پایین آورده است یا این که آمده است تحریف کرده است که آقا مثلا فلان روایتی که در فضیلت علی است یک معنای دیگری مثل همان بابایی که گفت که پیغمبر.

انت منی بمنزله هارون من موسی به منزله قارن من موسی.

عزیزان ببینند این بحث هایی که ابن تیمیه دارد و این بزرگان اهل سنت ما هیچ حرفی نمی زنیم این عقیده بزرگان اهل سنت است نسبت به ابن تیمیه این آقایان کار شناسان شبکه های وهابی به جای این که بیایند یک سوالاتی که اصلا ارزشی ندارد.

مثلا در شب اول قبر آیا از امیر المومنین سوال می کنند یا نمی کنند؟

اصلا به تو چه مربوط است شما وقتی رفتید آن جا سوال کردند و نتوانستید جواب بدهید با گرز های آتشین زدند قبر تو مملوو از آتش شد آن جا می فهمید چه است.

آقا شما یک روایت از علی ابن ابی طالب بیاورید که از ولایت علی در قبر سوال می کنند این ها از بی چارگی آقایان از استعصال آقایان هست ما الان هفت ماه هشت ماه می گویم این عدله ی ما در رابطه با امامت و خلافت امیر المومنین شما اگر راست می گوید شما هم بیاید یک دلیل در رابطه با خلافت جناب آقای ابو بکر یا حضرت ابو بکر به قول شما مطرح کنید.

ما ببینیم آقا چه دلیلی شما دارید؟

شما هم وارد این گود بشوید شما هم بیاید چهار تا پنج تا جلسه بگذارید در رابطه با اثبات حقانیت این آقایان یا حداقل شما بیاید این حرف هایی که ما نقل کردیم در رابطه با ابن تیمیه بیاید ثابت کنید که ابن تیمیه مسلمان بوده.

حداقل این را بیایید ثابت کنید برای ما آیا ابن تیمیه مسلمان بوده یا کافر بوده؟

که ما از بزرگان اهل سنت از ابن حجر نقل کردیم که می گویند چون زندیق بوده زندیق یعنی کافر بی دین ملحد ما از بزرگان اهل سنت نقل کردیم که این ها می گویند منافق بوده و میان ابو ابن تیمیه و اهل بیت پیغمبر و پیغمبر اکرم پدر کشتگی و خون خواهی و عداوت بوده.

بیایید شما محبت کنید یک بحث علمی این حرف هایی که ما آورده ایم با سند حداقل بیایید بگویند این حرف هایی که ما آورده ایم از این کتاب ها بله این ها دروغ است کتاب ها را بیاورید نشان بدهید آن جا و یا اگر دروغ نیست راست هست شما محبت کنید جواب بدهید به این ها شما آمده اید از ابن تیمیه ای که محمد بن محمد بخاری می گوید هر کس به او بگوید شیخ الاسلام کافر است.

شما بیایید از کفر خودتان دفاع کنید.

جناب غماری می گوید ابن تیمیه امام و پیشوایان تمام گمراهان در طول تاریخ است می گوید تمام گمراه و گمراه گر هستید همه ی شما منافق هستید کتاب ها ابن تیمیه بر گرفته ی از سخنان خوارج و منافقین و ملحدین است.

شما باید به این ها جواب بدهید نه این که نمی دانم آقا فلان قضیه شما بیایید نمی دانم فلان مسئله یا تند تند روایتی را مطرح می کنند که بله امام صادق می فرموده اگر ناصبی دیدید ناصبی خوش حذر است می توانید دیوار به سرش خراب کن می توانید در دریا چیز کنید.

بله تمام شیعه سنی ناصبی کسی است که به اهل بیت پیغمبر ناسزا بگوید به اهل بیت پیغمبر فحش بدهد طبق آیه ی قرآن.

قل لا اسئلكم عليه اجرا اللموده فی القربا.

ناصری مسلمان نیست ناصری محدود الدم است ارتباطی به اهل سنت ندارد ارتباطی حتی به وهابیت ندارد من بارها این جا گفته ام ما نود و نه در صد حتی وهابی ها را هم غیر از آن هایی که در فتنه ی ابن تیمیه گرفتار شده اند و عداوتشان را با اهل بیت نشان می دهند.

ما حتی خیلی از صلفی ها را در عربستان سعودی یا در داخل کشورمان افرادی داریم ما صلفی ولی این ها نسبت به اهل بیت نه جسارت می کنند نه اهانت می کنند نه ناسزا می گویند.

بله یک سری افرادی که واقعا مشخص است مشکل نصبی دارند طبق روایت نبی مکرم این ها نسبت به اهل بیت نسبت به امیر المومنین جسارت می کنند همین آقای رضا که هر روز به یک نامی می آید دوستان عبارت ها و جسارت های ایشان به صاحت مقدس امیر المومنین را آورده اند.

جناب آقای حسینی بنا بود شب جمعه اگر ایشان بیاید روی خط عبارت های ایشان را که جسارت به امیر المومنین کرده است و نشان گر ناصری بودن این آدم پست و رذل است نشان بدهد به مردم که این آقا که هر روز با یک نامی می آید این است.

ایشان واقعا راست می گوید شب جمعه بیاید دیگر در این برنامه های چیز همان دیشب بود با برنامه های دوستان وقتی آمد شروع کرد نمی دانم با یک نام های مختلف این خودش نشانگر شیطنت شما است. یک کسی که واقعا ناصری است نسبت به صاحت مقدس امیر المومنین وقیهانه جسارت می کند به هیچ وجهی حق حضور در این شبکه های شیعی ندارد اگر واقعا شما راست می گویند بلند شوید بیاید حرف خودت را بزن نه جسارت کنید نه اهانت کنید.

بله هر کس ناصری باشد شیعه و سنی ناصری ها ناصری یعنی که؟

کسانی که به امیر المومنین و اهل بیت پیغمبر ناسزا می گویند ما این ها را کلا از هفتاد و سه ملت خارج می دانیم.

آقای محسنی:

خیلی ممنون حاج آقا فرصتمان کم است یک پنج شش دقیقه فرصتمان باقی مانده است و دیگر حالا چون یک مقداری هم از تایم برنامه کوتاه شده است.

ما در این بخش اول سه چهار پنج شش دقیقه ای را فرصت داریم اگر استاد لطف بفرمایند این سوال را جواب بدهند ما ممنون می شویم که ان شا الله دیگر مباحث را در جلسات آینده مطرح می کنیم.
حاج آقا ابن تیمیه حدیث.

انا مدینه العلم.

را با این که شما حضرت عالی با چهار ده روایت نقل کردید از اعلمای بزرگ اهل سنت و صحت آن را برای ما بیان فرمودید این آقا زیر سوال برده است.

ولی از آن طرف می آید حدیث.

اقتدوا بالاذین من بعدی ابی ابو بکر و عمر.

را می آید اعلم می کند و آن را خلاصه می گوید که این حدیث حدیث درستی است ما می خواستیم بفرمایید که آیا اعلمای بزرگ اهل سنت نسبت به این حدیث اشکال سندی گرفته اند یا نگرفته اند؟

آقای قزوینی:

در رابطه با این که آیا اشکال سندی گرفته اند یا نه سخن خیلی زیاد است من فقط یک قسمتی را اشاره می کنم که ان شا الله سر فرصت ما در رابطه با عبارت ان شا الله در خدمت بینندگان عزیزمان ان شا الله به حول و قوه ی الهی خواهیم بود.

در رابطه با این که آیا اشکال سندی دارد یا ندارد من به یکی دو مورد اشاره می کنم ان شا الله در یک جلسه ی مستقل در این زمینه ما خواستیم مطرح کنیم آن جا ان شا الله عرض خواهیم کرد.

دوستان اگر مائیتور من را محبت کنند آقای ابن حزم اندلسی است از اعلامی قرن چهارم پنجم هجری است و مورد تایید ابن تیمیه هم است ابن تیمیه در کتاب هایش مرتب از ابن حزم اندلسی مطلب نقل می کند در تایید حرف های خودش ایشان می گوید:

و لو اننا نستجیز اتدلیس.

اگر ما اهل سنت تدلیس را جایز می دانستیم.

و الامر الذی لو ظفر به خصومنا طاروا به فرحا.

اگر چنان چه دشمنان ما به همچین عبارت ها یی رسیده اند از خوش حالی پر در می آوردند و اگر این طوری بود ما تدلیس را جایز می دانستیم.

مطلبی را که دشمنان ما دست یابند از خوش حالی پر در می آورند اگر این را جایز می دانستیم.

لا حتججنا بما روی.

ما احتجاج می رسیم به آن چه که روایت شده است.

اقتدوا باللذین من بعدی ابی بکر و عمر.

بعد از من به ابو بکر و عمر اقتدا کنید.

و لکنه لم یصح.

این روایت صحیح نیست.

و یبعذنا الله من الاحتجاج بما لا یصح.

پناه می بریم به خدا از این که استدلال کنیم به یک روایتی که صحیح نیست.

آقا مراجعه بفرمایید ببینید اصلا این عبارت در کتاب.

الفصل فی الممل و الاهواء و النحل.

یا الفصل به قول بعضی از وهابی ها که ما هر دویمان می گویم فردا نگویند چرا الفصل خوانید و الفصل

نخوانید؟

در نشر دار الصادر بیروت که در نرم افزار الجامع الکبیر است اگر اشتباه نکنم حالا ما چاپش را آورده

ایم در این جا جلد چهارم صفحه ی صد و هشت بعضی از چاپ های الفصل صفحه ی هشتاد و هشت است این

را هم عزیزان داشته باشند.

یا در یک روایتی ایشان می گوید اما روایت.

اقتدوا باللذین من بعدی فحدیث لا یصح.

چرا؟

لانه مروی عن مولی لربعی مجهول و عن المفضل الضبی و لیس بحجه.

در سند این روایت آقای ربعی هم هست مجهول است و ضبی هست و این حجت نیست.

البته من مطالب در این زمینه خیلی زیاد دارم که اگر بخواهم من مفصل مطرح کنم شاید سخن به درازا

بکشد من نمی دانم اگر صلاح می دانید ما.

آقای محسنی:

می خواهید حاج آقا بگذارید برای جلسه ی آیندیمان.

آقای قزوینی:

بله جلسه ی آینده این که حق مطلب.

آقای محسنی:

بله بحث شهید نشود.

آقای قزوینی:

بله از بین نرود حالا دوستان عزیزان اهل سنت هم بزرگواری کنند این روایت را بررسی بکنند البته ما این را هم می خواهیم قبول داریم این در مسند احمد آمده است سنن ترمذی آمده دیگر صحاح و غیره آمده است.

اگر هم لازم باشد ما تمام کتاب هایی که این روایت را آورده اند می آوریم بعضی از آقایان هم گفته اند نمی دانم حسن است مثل ترمذی و غیره جایی گاهی گفته است غریب است غیر صحیح است ولی ما کاری به آن ها نداریم.

این آقایانی که آمده اند اشکال سندی کرده اند و اشکال دلالی کردند این ها را یک مقداری بیاییم بررسی بکنیم.

مخصوصا همین عبارت ابن حزم اندلسی اگر دوباره دوستان مانیتور من را محبت کنند دوستان بروند کتابی دارد ابن حزم اندلسی الاحکام مباحث اصولی را در این جا مطرح کرده است چاپ دار الحدیث قاهره هم هست.

ایشان می آید می گوید اصلا این روایت اصلی ندارد اگر اصلی هم داشته باشد به ضرر اهل سنت است.

چرا به ضرر اهل سنت است؟

چون آقایان به اصحاب مالک به اصحاب ابو حنیفه اصحاب شافعی اگر واقعا مالکی ها حنفی ها شافعی ها این روایت را قبول دارند آیا واقعا آمده اند به مردم گفته اند از ابو بکر و عمر اقتدا کنند یا گفته اند به مالک ابو حنیفه شافعی اقتدا کنند؟

یک حرف خیلی قشنگی می زند می گوید پیغمبر گفته است آقا بعد از من به ابو بکر و عمر اقتدا کنید

آیا شافعی ها آمده اند به این حدیث عمل کرده اند یا نه بر خلافش؟

بگویند نه شما باید از آقای شافعی اقتدا کنید؟

حنفی ها می گویند به ابو بکر و عمر اقتدا کنید یا به ابو حنیفه اقتدا کنید؟

مالکی ها می گویند به مالک اقتدا کنید یا به ابو بکر و عمر اقتدا کنید؟

و اضافه.

ان اصحاب مالک خالفوا ابا بکر.

مالکی ها آمده اند موارد متعددی با خود نظر آقای ابو بکر مخالفت کردند بعد ایشان می گوید در موع

مالک پنج جا کاملا با نظر ابو بکر مخالفت کرده است و سی مورد با نظر عمر ابن خطاب مخالفت کردند.

اگر واقعا اقتدوا به ابو بکر و عمر صحیح است چرا این آقایان می روند سی مورد نه یک مورد نه دو مورد

با نظر خلیفه ی اول و دوم مخالفت کرده اند.

اگر واقعا این روایت را قبول دارند پس چرا عملا این چنین کردند؟

این حرف خیلی قشنگی ایشان زده است حالا ان شا الله ما در جلسه ی بعد روی این عبارت ها هم

اشکال سندی هم اشکال دلالی هم آن چه که خود جناب آقای ذهبی در این زمینه دارد آقای عقیلی دارد.

این ها را ان شا الله ابن عدی در الکامل الضعفا دارد دوستان مراجعه بکنند و بعضی از بزرگواران اهل

سنت که دنبال این هستند که بحث بحث علمی باشد یا از عزیزان و بزرگواران اهل سنت می توانند سوال بکنند.

سوال بکنند ان شا الله با خلاصه اطلاعات کامل یک پیش مطالعه ای داشته باشند.

آقای محسنی:

ان شا الله.

آقای قزوینی:

در شب دو شنبه ی آینده یک شنبه شب ان شا الله ما بتوانیم از محضرشان استفاده بکنیم.

آقای محسنی:

خیلی ممنون و سپاس گذار هستیم استاد عزیز و این دوستان عزیز ما تا این لحظه همراه ما بودند و بحث را اگر جمع بکنیم ان شا الله در زوایایی که ما بحث حدیث.

انا مدینه العلم.

را مطرح کردیم و سخنان آقایان ابن تیمیه و ناصبی بودن ایشان را مطرح کردیم از آن طرف هم حضرت استاد اشاره ای به این حدیث یکی از شاخصه های برادران اهل سنت نسبت به امامت آقای ابو بکر و عمر بود که این حدیث.

اقتدوا باللذین.

هست که آن آقایان وهابی نمی آیند در شبکه هایشان بحث کنند مجبور هستیم ما خلاصه این مباحث را مطرح بکنیم و یک نقل عالمانه ای داشته باشیم نسبت به این ها از دیدگاه اهل سنت ان شا الله مصلح این بحث شروع شد.

ان شا الله در جلسات دیگر حضرت استاد اشاره ی بیش تری می کنند تا عزیزان ما ارتباط بیش تر و عمیق تری با برنامه بکنند.

سپاس گذاری می کنیم فرصتمان کم است ان شا الله یک میان برنامه کوتاه ببینیم و برگردیم صدای گرم شما عزیزان را بشنویم.

ممنون و سپاس گذار هستیم مجددا دهه ی کرامت را که مصادف است با میلاد با سعادت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها و برادر بزرگوارشان امام رضا علیه السلام را خدمت شما عزیزان تبریک و شاد باش عرض می کنیم.

امیدواریم خداوند این دهه را بر ما مبارک بگرداند و عیدی ما را فرج امام زمان علیه السلام قرار بدهد.

سپاس گذاری می کنیم از شما عزیزان که تا این لحظه همراه ما بودید بخشی که تعلق به شما عزیزان دارد امیدواریم عزیزان بیابند روی خط و خواهش می کنیم که تذکرات ما را جدی بگیرند و مختصر و مفید سوالاتشان را مطرح بکنند.

این شبکه متعلق به همه است بعضی از عزیزان می آیند اینجا خلاصه درد و دل می کنند یک مباحثی را مطرح می کنند که ضروری نیست.

ما خواهش می کنیم که به خاطر این که احترام کنیم به بینندگان عزیزمان و با این هزینه هایی که دارد می شود بیشترین استفاده را ببریم خواهش می کنیم لطف کنید و توجه بکنید که در فرصت کوتاه سوالاتان را مطرح بکنید و ان شا الله پاسخ را از حضرت استاد بشنویم.

جناب آقای عرفانی از اصفهان اولین بیننده ی ما هستند روی خط می آید سلام و عرض ادب داریم خدمت شما جناب آقای عرفانی.

بیننده:

بله.

بسم الله الرحمن الرحيم.

الهم صل علی فاطمه و ابیها و بعلها و بنیها و سر المستودعه فیها و عدد ما اهاته به علمک.

سلام عرض می کنم خدمت شما و همه ی بینندگان.

آقای محسنی:

و علیکم السلام.

بیننده:

شبکه ی ولایت عرضی داشتم خدمت شما.

آقای محسنی:

در خدمتتان هستیم.

بیننده:

دلیل و سند و مدرک از خود اهل سنت ما در باره ی عصیان گری و کفر خلفای سه گانه داریم و همه ی این ها را همه شبکه های وهابیت می دانند.

من یک سوال دارم از عزیزان اهل سنت بیایید و دید خودمان را نسبت به خلفا و امیر المومنین یک طور دیگر بگویید بیاید به صورت بی طرف نگاه کنیم به این قضیه این همه نقاط تاریک این همه نقاط تاریک در زندگی خلفای سه گانه بود.

نیم بیش از نیمی از عمرشان را در کفر به سر می بردند شرک و بت پرستی فرار از جنگ ها تهمت های ناروا و صحبت های ناروایی که نسبت به پیامبر اسلام داشتند همه ی این ها را می گذاریم کنار کاری به این ها نداریم به عنوان یک آدم بی طرف من یک سوال فقط از این آقایان دارم.

یک نقطه ی تاریک یک نقطه ی تاریک در زندگی چهارده معصوم اهل بیت و مولا امیر المومنین این ها اگر آوردند ما حرف آن ها را قبول می کنیم.

آقای محسنی:

بله.

بیننده:

این ها به خاطر هیچ دست آویزی ندارند و خودشان هم بهتر از هر کس دیگری این موضوع را می دانند که حقانیت با خود مولا امیر المومنین هست و فقط قصدشان فقط و فقط سنگ اندازی است ما با این ها بحث می کنیم می گویند دو تا قضیه با ما بحث نکنید بقیه را ما بشینیم صحبت می کنیم.

یک مسئله ی غدیر دو قضیه ی شهادت حضرت فاطمه ی زهرا سلام الله علیها و می دانند که همه ی این دو تا قضیه است که ثابت می کند حقانیت و مظلومیت مولا امیر المومنین را و هیچ دست آویز و راهی هم ندارند.

و فقط و فقط هدفشان و آن هدفی که دنبال می کنند این است که بیایند عوام اهل سنت را از حقیقت دور کنند.

آقای قزوینی:

متشکر از شما.

بیننده:

متأسفانه در نا آگاهی کامل همه ی آن ها قرار داده اند.

آقای محسنی:

خیلی ممنون هستیم سلامت باشید جناب آقای عرفانی البته یک مقداری ما لطیف تر صحبت کنید نسبت به دوستان اهل سنتمان بهتر است بخش دوم از صحبت هایتان خیلی زیبا بود ولی بخش اول که حالا آن نسبت کفر و مباحث را می خواهیم بدهیم خیلی حالا صحیح نیست.

ما بله از آن طرف واقعا همان طور است که شما فرمودید ما اهل بیت را اگر نگاه بکنیم از حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا امام زمان علیه السلام شما یک نقطه ی ابهام و یک نقطه ی تاریکی را در زندگیشان نمی بینید.

و اعلمای بزرگ اهل سنت با همه ی فرقه ها به این اشاره کرده اند و احترام کردند و این نشان می دهد که حقانیت و سند مهمی برای ائمه علیهم السلام است خواهش می کنیم از آن طرف هم یک مقداری رعایت احترام بشود نسبت به اهل سنت که ما این طور صحبت نکنیم.

آقای قزوینی:

عزیزان شیعه که می آیند روی خط جناب آقای عرفانی عزیز حالا عقیده ی من و شما نسبت به خلفا هر چه است عزیزان اهل سنت به این ها با نظر قداست نگاه می کنند همان نگاهی که ما نسبت به ائمه داریم. در به کار بردن بعضی از واژه ها یک مقداری دقت کنیم که خدایی نکرده احساسات این عزیزان جریحه دار نشود من به نوبه ی خودم هر چه عزیزان بیننده ی شیعه که می آیند روی خط یا خود من یا کار شناسان دیگر اگر مطالبی در این جا مطرح می شود.

و مثلا عزیزان اهل سنت تصور می کنند که این ها احساساتشان جریحه دار می شود من از همه ی عزیزان اهل سنت رسماً عذر خواهی می کنم و پوزش می طلبم و توصیه هم می کنم به عزیزان و بزرگواران شیعه تا می توانند الفاظ الفاظ محترمانه و مودبانه باشد و می شود به قول بفرما و بشین و بتمبرگ هر سه به یک معنا است.

ما آن چیزی که می خواهیم بیان کنیم در الفاظ خوب بیان کنیم و این را بار ها گفته ام که یکی از این پادشاهان خواب دید که تمام دندان هایش افتاده است معبر آوردند تعبیر کند گفت پادشاه به سلامت باد تمام عقرب های شما قبل از شما می میرند دستور داد گردنش را بزنند.

چه تعبیر زشتی کرد رفتند معبر دیگری آوردند گفت پادشاه به سلامت بادا عمر پادشاه از همه ی فامیل
هایش بیش تر است گفت آقا به این جایزه بدهید ببینید.

آقای محسنی:

همان حرف است.

آقای قزوینی:

همان حرف است ولی با یک جمله ای زد که احساسات این پادشاه جریحه دار نشد و لذا بزرگواران
دقت کنند تمام آن چه را که می خواهند بیان کنند در یک قالبی بریزند این قالب جریحه دار کننده نباشد.

آقای محسنی:

خیلی ممنونیم جناب آقای موسی پور از زاهدان از برادران اهل سنت که روی خط می آیند سلام و
عرض ادب دارم خدمتشان.

بیننده:

سلام عرض می کنم خدمت آقای محسنی و حاج آقا قزوینی.

آقای محسنی:

و علیکم السلام.

آقای قزوینی:

سلام و علیکم و رحمت الله.

آقای محسنی:

در خدمت هستیم آقای موسی پور.

بیننده:

آقای محسنی عزیز ما یک سوالی داشتیم از حاج آقا بعد آن آخرش یک پیشنهاد بگویم اگر اجازه

بدهید.

آقای محسنی:

بله.

آقای قزوینی:

بفرمایید.

بیننده:

بله من بعد از ظهر هم با آقای یزدانی صحبت کردم.

آقای محسنی:

بله.

بیننده:

بله و یک سوالی از حاج آقا داشتم مثلا حاج آقا من خیلی صحبت کردم و یک گلگی هم از اعلامی

خودمان دارم بعضی هایشان البته سی چهل در صدشان می رویم پیششان می خواهیم سوال کنیم از شبهات

بعد از پیغمبر چطور بوده فوری می آیند این ها یک آیه ی قرآن صحبت می کنند.

امتی بودند که رفتند و ما چه کاری به این ها داریم خیلی هم ناراحت می شود واقعا دارم من الان به همه ی شیعه ها می گویم خیلی خوش حال باشید که یک عالمی مثل آقای قزوینی دارید هر چیزی بخواهید جوابتان را می دهد.

آقای محسنی:

سلامت باشید.

بیننده:

ما این طور ناراحت می شویم.

آقای قزوینی:

لطف دارید شما بزرگوارید.

بیننده:

بعد هم آقای قزوینی مثلا شما می گوید برای حضرت ابو بکر صدیق دلیل بیاورید برای خلافتش کتاب بیاورید به نظر من این سوال اشتباهی است.

آقای محسنی:

از چه جهت؟

بیننده:

مثلا این حضرت ابو بکر در صغیفه ی بنی ساعده بعد از رحلت پیامبر به عنوان خلیفه انتخاب شد و آن موقع هم که دیگر برای کسی آیه ی قرآن نازل نمی شده و خود به خود نباید آیه ی باشد.

آقای محسنی:

یعنی به نظر شما.

آقای قزوینی:

اگر شما بخواهید حالا ما می خواهیم اعلمای اهل سنت بیایند روی خط من حاضر هستم حداقل بیست تا آیه که آقایان استدلال کرده اند بیاورم.

بیننده:

استدلال.

آقای قزوینی:

ولی عرض کردم دویست و هشتاد و شش مورد از اعلمای بزرگ اهل سنت با جلد و صفحه دارم که این ها تصمیم گرفتند و کتاب هایشان از جناب ابو بکر دفاع کردند از خلافتش دفاع کردند. حالا این اعلمای بزرگوار سوادش را ندارند یا مطالعه نکرده اند یا غیره آمده ایم جایزه هم گذاشتیم حاضر هستیم به این شبکه ها بدهیم مشروط گفتیم حالا ده شبهه ای می دهیم ده دلیل می دهیم به آقایان، آقایان یک ساعت شبکه ایشان را در اختیار ما قرار بدهند. ببینید جناب آقای موسی پور بزرگوار نه این طور نیست که این ها استدلال نکرده باشند ما دوست داریم یک عالم بزرگوار اهل سنت بیاید این آیاتی را که این آقایان استدلال کرده اند بگویند حالا ببینیم اصلا خود اهل سنت قبول می کنند یا اصلا خود اهل سنت این استدلال را بهش من عذر می خواهم این تعبیر را به کار می برم می خندند به این استدلال ها.

ببینید من خیلی دوست دارم حضرت عالی عزیز ما هستید و واقعا خیلی آدم مودب متین بزرگوار هر وقت آمدید روی خط ما گفته ایم ما به وجود عزیزان اهل سنتی مثل آقای موسی پور که مودب است افتخار می کنیم و از دور هم پیشانی اش را می بوسیم.

ولی ببینید این نیست این عزیزان اهل سنت اگر اهل مطالعه باشند می دانند بزرگانشان خلاصه تلاش کردند با آیات روایات یک جا گفته اند ما هیچ آیه نداریم از طرفی از جناب عایشه نقل کرده اند که اصلا در حق ما خاندان ما آیه نازل نشده است.

غیر از آیه ی یک از آن طرف آمده اند نزدیک بیست تا آیه را کنار هم چیده اند آقا این ها همه دلالت می کند بر خلافت آقای ابو بکر ما خیلی دوست داریم یک عالم اهل سنت بیاید این ها را مطرح بکند ما هم حرفمان را بزنیم.

ما هم هیچ قضاوتی نکنیم قضاوت را به عهده ی.

آقای محسنی:

بینندگان عزیزمان بگذاریم.

آقای قزوینی:

نه بینندگان شیعه بینندگان عزیز اهل سنت بگذاریم.

آقای محسنی:

آقای موسی پور من یک سوالی داشتم از شما.

بیننده:

بفرمایید.

آقای محسنی:

شما می فرمایید که بعد از رحلت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و سلم قضیه ی خلافت جناب ابو

بکر پیش آمد درست است؟

بیننده:

بله.

آقای محسنی:

یعنی آیه دیگر نبوده چون وحی نازل نمی شده.

بیننده:

اجازه بدهید من.

آقای محسنی:

نه می خواستم این سوال را بکنم از شما اجازه بدهید پس مبنای انتخاب ایشان چه است آیا مثلا

مشروت شورا هست یا خلاصه خودشان انتخاب کردند یا از طریق آیه ای حدیثی یا روایتی این را انتخاب کردند؟

بیننده:

آقای محسنی اجازه می دهید من توضیح بدهم کامل؟

آقای محسنی:

بله.

بیننده:

من منظورم این بود مثلا همین شبکه ی کلمه می آید می گوید چرا یک آیه در قرآن نیست که علی خلیفه ی مومنان باشد؟

این طور مثلا می گویند نباشد من می گویم همچین آیه ای در آن هم در باره ی حضرت ابو بکر بیاید و اگر نه مثلا من خودم استدلال می کنم به آیه ی پنجاه و نه سوره ی نسا در خلافت حضرت ابو بکر صدیق این طور من منظورم بود که آیه ای نازل نشده است.

همان طور که حاج آقا گفت از ام المومنین عایشه در حق ما غیر از آیه یک منظور من استدلال که خیلی آیه ها می شود کرد من با حاج آقا برنامه امامت و خلافت صحبت کردم همان آیه ی.

امر شورا بینهم.

خدمتشان گفتم همین آیه ی پنجاه و نه سوره ی نسا را می گویم.

آقای محسنی:

پس می فرمایید جناب ابو بکر با شورا آمد خلیفه شدند درست است؟

بیننده:

بله دیگر بیعت کردند.

آقای محسنی:

پس چرا در خلیفه ی دوم این اتفاق نیافتاد؟

بیننده:

اگر هم حضرت ابو بکر عمر را پیشنهاد کرد اگر صحابه مخالف بودند نباید بیعت می کردند.

آقای محسنی:

نه دیگر ایشان.

بیننده:

از جمله حضرت علی.

آقای محسنی:

نه دیگر در جناب خلیفه ی دوم انتخاب کردند حتما ایشان دیگر خودشان نوشتند و اعلام کردند که باید

جناب آقای عمر باشند.

بیننده:

می توانستند صحابه قبول نکنند.

آقای قزوینی:

ببینید آقای آقا موسی پور عزیز الان شما در مصر آقای مرصی منتخب مردم بود یا نبود؟

بیننده:

بله.

آقای قزوینی:

الان به زور ایشان را نه تنها از ریاست جمهوری خلع کرد زندانی هم کرد.

آقای محسنی:

محکوم هم کردند.

آقای قزوینی:

طرفدارانش هم لت و پار کرد آیا شما می توانید بگوید آقا آقای مرصی باطل بوده به حق نبوده چرا آقای

مرصی از خودش دفاع نکرد؟

نمی دانم چنین نکرد چرا مردم قبول نکردند چرا مردم دفاع نکردند؟

حالا شما می بینید میلیون ها نفر هم آمده اند از آقای مرصی نزدیک چهل روز هم دفاع کردند از این

طرف قدرت دست ارتش است و زد همه را لت و پار کرد ببینید عزیز دل من وقتی که این ها آمدند سر کار شما

حالا ان شا الله خود عبارتی است که از خود عایشه است.

ان عمر قد خوف الناس.

عمر با نیرو هایی که داشت مخصوصا قبیله ی اصلم که از خارج مدینه آوردند و غیره آمد تطبق عبارتی

که خود اهل سنت دارند یک جو روو و وحشت ایجاد کرد یا در رابطه با خود خلافت جناب عمر این را خوب

عزیزان دیدند که ما مفصل آورده ایم.

از کتب اهل سنت که کاملا بزرگان صحابه مهاجرین انصار همه آمدند اعتراض کردند و گفتند بر این که

آقای ابو بکر جواب خدا را چه می خواهید بدهید؟

در باره ی این که عمر را دارد بر ما تحمیل می کنید ببینید این مباحث بوده این که در کتاب های ما

نیست اگر دوستان یک لحظه بله ببینید الان تمامی مردم این تعبیری است که ابن ابی شیبه داده دارد ابا بکر که

وقتی که مرگش فرا رسید فرستاد سراغ عمر.

یستخلفه.

ابو بکر خواست او را خلیفه کند.

فقال الناس.

توده ی مردم.

نه یکی نه دو تا یعنی اگر نسبت به قضایا یک نفر دو نفر بود ایشان می گوید توده ی مردم گفتند:

تستخلف علينا فظا غلیظا.

یک فردی که یک آدم تند بد اخلاقی می خواهید خلیفه قرار بدهید.

و اگر ایشان خلیفه بشود قطعا بد اخلاقی و تندی اش بیش تر خواهد بود شما ببینید در همین کتاب

صحیح مسلم به صراحت ابی بن کعب بر می گردد به عمر بن خطاب می گوید:

یا بن الخطاب فلا تکون عذاب علی اصحاب رسول الله.

عذاب بر اصحاب پیغمبر نباش.

حالا من نمی دانم این حضرت عالی بزرگواری کنید اگر خودتان می دانید خودتان برای ما این را معنا

بفرمایید و اگر نه نمی توانید الان من بیاورم.

لا تکون عذاب.

بله.

علی اصحاب.

ببینید الان من همین جا اگر دوستان همین جا که من دارم سرچ می کنم بزرگواری کنند این را نشان

بدهند بفرمایید عزیز من ببینید ابی بن کعب بر می گردد می گوید:

یا بن الخطاب فلا تکون عذابا علی اصحاب رسول الله.

بر اصحاب پیغمبر عذاب نباش.

ببینید این مربوط به زمان خلافت جناب عمر ابن الخطاب است این هم که دیگر صحیح مسلم است
ملاحظه می فرمایید جلد سوم صفحه ی هزار و شش صد و نود و شش این هم حدیث دو هزار و صد و پنجاه و
چهار این که دیگر کتاب کافی و غیره نیست.

و لذا شما این را بزرگواری کنید که شما می گوئید نمی دانم این طوری بوده حداقل ما انتظار داریم از آقا
موسی پور بزرگواری حداقل بحث هایی که ما تا به حال داشتیم در این جا، در این جا شما ببینید توده ی مردم می
آیند به ابو بکر اعتراض می کنند می گویند:

فما تقول لربك اذا لقيته.

آقای ابو بکر جواب خدا را قیامت چه خواهید داد؟

و قد استخلفت علينا عمر.

که امروز خلیفه برای ما عمر را انتخاب کردید.

ابو بکر به جای این که به مردم بگوید چشم من نظر شما برای من محترم است نظر صحابه، صحابه
بودند آمده بودند چون قضیه ی وفات ابو بکر دو سال بیشتر بعد از رحلت پیغمبر نبوده همه صحابه بودند می
آمدند اعتراض می کردند.

ایشان می گوید:

ابربی تخوفوننی؟

آیا من از را از خدا دارید می ترسانید؟

اصلا ببینید نحوه ی برخورد خلیفه ی اول با توده ی مردم با صحابه چه است؟

ایشان می گوید من نظرم این است که آقای عمر بهترین خلائق است یعنی شما ها نمی توانید بفهمید

صحابه نمی فهمید یا شما ببینید در این جا امیر المومنین علی علیه السلام و طلحه می آیند به ابو بکر اعتراض

می کنند می گویند:

فماذا انت قائل لربك.

جواب خدا را چه می دهید؟

بعد آقای ابو بکر به جای این که به طلحه و علی بگوید باشد چشم حالا نظر شما خلاف است من برای

نظر شما احترام می گذارم یک شورا می گذاریم ببینیم مردم چه می گویند ایشان می گوید:

بالله تعرفانی.

دارید خدا را به من معرفی می کنید؟

درس خدا شناسی برای من دارید چیز می کنید؟

لانا اعلم بالله و بعمر منکما.

من هم خدا را بهتر از تو می شناسم یا علی یا طلحه هم عمر را خوب می شناسم.

ببینید این یک چیز ساده نیست یا در عبارتی که ابن قتیبه دارد.

دخل علیه المهاجرون و الانصار.

مهاجرین و انصار رفتند پیش ابو بکر و اعتراض کردند.

ببینید در برابر این شما این که می فرمایید که.

امر هم شورا بینهم.

اگر واقعا حدیث.

اقتدوا بعدی ابا بکر و عمر.

صحیح بوده و این همه روایاتی که در صحیح بخاری و مسلم در فضیلت جناب ابو بکر آمده است جناب

عمر آمده است.

لولم عبث لبعوث عمر ابن الخطاب.

پیغمبر اکرم گفته بود اگر من مبعوث نمی شدم عمر ابن الخطاب مبعوث می شود.

اگر چنان چه یک نفر با ملائکه بنا بود ارتباط بر قرار کند آن هم آقای عمر بود اگر چنان چه این ها صحیح بود آقای ابو بکر یکی از این ها را مطرح می کرد یک یا در صغیفه ی بنی ساعده که مهاجرین آمدند اعتراض کردند حباب ابن منظر اعتراض کرد علی ابن ابی طالب و بنی هاشم شش ماه بیعت نکردند جناب آقای ابو بکر به یک از این آیاتی که حضرت عالی اشاره فرمودید و مثل حضر الدین حیجی و قوشی آقای فخر الدین رازی و امثال او آمده اند استدلال کرده اند.

اگر واقعا این آیات درست بود و این روایات صحیح بود چرا جناب آقای ابو بکر یک مورد در برابر مخالفین خودش یک مورد به این آیات استدلال نکرد اگر به یکی از این آیات استدلال می کرد امیر المومنین وقتی که فرصت پیدا کرد در همین شورای شش نفره آمد تمام آیاتی که در فضیلت خودش بوده حالا ان شا الله این را ما با سند صحیح یک روزی نقل می کنیم.

که آقایان می گویند علی چرا استدلال نکرد به آیاتی که استدلال کرده است به روایاتی که علی استدلال کرده است به روایاتی که حضرت زهرا در همین واپسین روز رحلت نبی مکرم استدلال کرده است و حدیث منزلت و حدیث غدیر بنده دیشب از حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها بخشی از این روایات را عرض کردم.

ببینید این ها جناب آقای موسی پور بزرگوار ما دوست داریم یک مقداری عزیزان ما دقت بکنند و با چشم باز به حقائق نگاه کنند نه همان طوری که حضرت عالی فرمودید وقتی که سوال می کنیم.

تلک امت قد خلد.

آقا این.

تلک امت قد خلد.

فقط آن جایی که شما گیر می کنید نمی توانید جواب بدهید یا نه در رابطه با قضایای دیگری که هر روز در این شبکه ها مطرح می کنید علیه شیعه علیه سید مرتضی علم الهدی شیخ طوسی علامه ی مجلسی علامه ی حلی یا این ها هم.

تلک امت قد خلد.

هستند ما در خدمت حضرت عالی هستیم.

آقای محسنی:

آقای موسی پور ما تقریبا پانزده دقیقه است که ما داریم با شما صحبت می کنیم.

بیننده:

دو دقیقه آقای محسنی به بنده وقت بدهید.

آقای محسنی:

خواهش می کنم اگر اجازه بفرمایید دیگر با شما خدا حافظی کنیم.

بیننده:

دو دقیقه اجازه هست صحبت کنم؟

آقای قزوینی:

بفرمایید.

بیننده:

بله راستش حاج آقا.

آقای قزوینی:

جان دلم.

بیننده:

بنده هم گفتم من توقع دارم از همه ی شیعه چه شیعه چه سنی تعصب را کنار بگذارند من می گویم بله پیغمبر از احادیثی روایتی هست که حضرت علی را به عنوان جانشین انتخاب کرد.

آقای قزوینی:

بله.

بیننده:

برای خودش همچین احادیثی هست و من هم نظرم این است که الان همین مثال زیبایی زدید شما در رابطه با مهر قدرت و حکومت دیگر حاج آقا این ها انسان را چشم انسان را کور می کند.

آقای محسنی:

بله آفرین.

بیننده:

حالا تمام مبانی اسلام را هم دقیق به ما نرسیده است که ببینیم چگونه بوده آن زمان ها و توقع دارم بدون تعصب الان دوست شیعه ای که قبل از من صحبت کرد من ناراحت شدم حقیقتا چرا دروغ بگویم.

آقای محسنی:

ما تذکرش را دادیم.

آقای قزوینی:

ما هم تذکر دادیم.

بیننده:

بدون تعصب صحبت کنند.

آقای محسنی:

بله.

بیننده:

تعصب را کنار بگذارند.

آقای محسنی:

بله.

بیننده:

و این هم نظر خودم است تحقیق کرده ام و مطالعه ای که داشتم می بینم تمام مبانی اسلام صحیح بعد

از رحلت پیامبر الان به دست ما نرسیده است درست است حاج آقا شما این نظر من را قبول دارید؟

آقای محسنی:

نه این درست نیست.

آقای قزوینی:

نه تمام قضایا ببینید این که بعضی ها تلاش داشتند بعضی از حقایق را مخفی بکنند ولی باز همین اندازه که به دست ما رسیده آقای موسی پور برای قضاوت برای این که ما بتوانیم.

آقای محسنی:

حقیقت را پیدا بکنیم.

آقای قزوینی:

حق را پیدا بکنیم.

آقای محسنی:

کفایت می کند.

آقای قزوینی:

برای ما کفایت می کند.

بیننده:

بله.

آقای محسنی:

به هر صورت للاله آقای موسی پور.

لالله حجت البالغه.

اگر خدا با حجت بلیغش را به ما نرساند فردای قیامت نمی تواند تکلیف ما را انطاق کند یعنی آن چیزی که به ما نرسانده است و نه گفته است نمی تواند از ما بخواهد به همین دلیل تا حالا آن چه که برای ما به حقیقت برسیم برای ما جا گذاشته است.

بیننده:

بله یک نکته آقای محسنی بگویم و بعد خدا حافظی کنیم.

آقای محسنی:

بله.

بیننده:

بله این در این چند روز پیش آقای ابوالقاسمی با شبکه ی کلمه تماس گرفته بود آقای قزوینی من این نظر خودم است دوست دارم به شما بگویم.

آقای قزوینی:

بفرمایید.

بیننده:

دوست ندارم که مثلا آقای هاشمی بگوید ما یک ربع وقت داریم بعد آقای ابو القاسمی در این یک رفع تماس بگیرد بگوید آقا ما فلان شب منتظریم شما مثلا بگویند ساعت ده ما منتظر شما هستیم تا یازده تا دوازده بخواهد مناظره صورت بگیرد.

بعد قرار را بگذارد بعد این طوری خودتان هم آقای قزوینی من یادم می آید شبکه ی سلام مناظره می کردید شبکه ی المستقله این طور قواعد مناظره به هم خورده است الان این را اگر بگویید خواستند تماس بگیرند این طور باشد خیلی ممنون می شوم.

آقای محسنی:

بله.

آقای قزوینی:

دست شما درد نکند.

آقای محسنی:

سپاس گذاریم جناب آقای موسی پور.

آقای قزوینی:

حرف دل ما را می زنید آقای موسی پور.

آقای محسنی:

خیلی ممنون هستیم .

آقای قزوینی:

خدا جزای خیرتان بدهد.

آقای محسنی:

جناب آقای سعیدی از شیراز اگر صدای بنده را دارید سلام و عرض ادب دارم خدمتتان.

بیننده:

سلام علیکم خدمت شما و هم چنین استاد گرامی جناب آیت الله قزوینی.

آقای محسنی:

سلامت باشید.

آقای قزوینی:

سلام علیکم و رحمت الله و برکاتو.

بیننده:

من خواستم یک مسئله ای را مطرح کنم من از بینندگان شما هستم در به صورت مرتب هر شب می

بینم.

آقای محسنی:

بله.

بیننده:

خواستم خدمتتان عرض کنم که ما به عنوان یک شیعه یا یک سنی باید یک چیزی در نظر بگیریم این

هم این است که حال نتیجه شیعه یا سنی شدن ما چه است؟

این درست است که شیعه و سنی یکیشان بر حق حالا ببینیم ما که شیعه شدیم چه به دست می آوریم

و یا آن آقایی که سنی شده است چه به دست می آورد؟

ما باید ببینیم که آقا این دینی که دارد برای ما آمده است چه نتیجه ی اخلاقی به ما می دهد؟

ما اگر الان نگاه بکنیم ببینیم در چه در طول تاریخ و چه الان به صورت واضح شما می توانید ببینید که

نتیجه ی این دین سنی بودن این شده است که دست بزنند به هر نوع کشتاری و به هر نوع کار خلاف اخلاقی که

می توانند انجام بدهند و اسم خودشان هم می گذارند مسلمان آن وقت در سوریه می بینیم که.

آقای قزوینی:

البته کلمه ی سنی به کار نبرید آقای محمد آقا.

آقای محسنی:

وهابی به کار ببرید.

آقای قزوینی:

وهابی یا صلفی به کار ببرید شما.

بیننده:

وهابی یا به هر حال همیشه اگر ما در طول تاریخ نگاه کنیم می بینیم که این ها همیشه شیعه مظلوم

کشته شده است و همیشه این به قول شما کار صلفی آدم های تند روی سنی نتیجه اش این بوده.

آقای قزوینی:

بله.

بیننده:

ما می‌گوییم که پیغمبر ما باید که مکارم اخلاق را کامل کند ما باید ببینیم که آیا این مذهبی که دارد می‌آید جوری است که این کار را برای ما انجام بدهد یا نیست یک تبلیغ وحشی‌گری می‌کند یا به قول حضرت ابا عبد الله الحسین در واقعه ی عاشورا که فرمودند که اگر دین ندارید حداقل آزاد مرد باشید.

حداقل لازمه ی دینداری این است که آدم یک مکارم اخلاقی رعایت کند داخلش دیگر به طور واضح مشخص است از رفتار این برادران حالا بگوییم برادر که شاید درست نباشد از همین وهابی ها صلفی ها چه داخل مصر چه داخل سوریه نتیجه ی کار به طور کامل مشخص است.

که اگر یک نفر که مثلا مسیحی باشد اگر واقعا از بیرون اسلام بخواهد نگاه کند ما چه دینی داریم می‌گوید این دین چه است؟

آدم کشی است قتل و غارت است؟

و الان فتوایی که می‌دهند واقعا خیلی آبروی اسلام را برده است واقعا اگر یک نفر مسیحی باشد می‌خواهم الان وارد اسلام بشوم با این صحنه ای که از اسلام می‌بینند واقعا آزرده می‌شوند و هیچ وقت نمی‌آیند.

آقای قزوینی:

بله دست شما درد نکند ممنون از شما.

آقای محسنی:

ممنون و سپاس گذاری می‌کنیم از شما.

آقای قزوینی:

ببینید شما جناب آقای محمد آقای بزرگوار.

آقای محسنی:

آقای سعیدی.

آقای قزوینی:

جناب آقای سعیدی یا.

آقای محسنی:

آقای سعیدی.

آقای قزوینی:

آقای سعیدی عزیز ببینید در این جا من یکی سه تا نکته را عرض کنم برای همه ی بینندگان عزیز نکته ی اول یک مقدار بگوئیم تقصیر مال ما است کوتاهی مال ما است ما نتوانسته ایم فرهنگ اهل بیت را این به تعبیر شهید مطهری کالای نورانی اهل بیت را در معرض عموم قرار بدهیم.

اگر ما بیاییم سخنان در معرض عموم قرار بدهیم در عزیزان اهل سنت یا آقایان وهابی ها قطعاً اگر انسان می رود در یک مغازه ی می رود دو تا جعبه یک جعبه میوه های خیلی خوب زیبا مثلاً سیب است قرمز با مثلاً بوی قشنگ و بدون کوچک ترین زده در یک جعبه هم مثلاً یک سیبی هست که یک مقداری زدگی دارد ماندگی دارد غیره قطعاً هر کسی می رود آن جا این دو تا صندوق را می بیند قطعاً از میوه ی را انتخاب می کند که سالم باشد.

آقای محسنی:

ان الناس لو علم محاسن کلامنا.

هست دیگر.

آقای قزوینی:

بله و لذا امام رضا سلام الله عليه می فرماید.

ان الناس لو علم محاسن كلامنا لتبعونا.

اگر مردم زیبا هایی کلام ما را بشنوند قطعاً از ما تبعیت می کنند.

و من دوست دارم حالا ببینیم در آینده بتوانیم در این زمینه یک زمینه سازی بکنیم که ان شا الله عزیزان اهل سنت هم از ما نرنجند ما بیاوریم یک مقایسه ای بکنیم فرهنگ اهل بیت را مقایسه کنیم با فرهنگی که امروز عزیزان اهل سنت در کتاب هایشان آورده اند.

سخنان اهل بیت را بیاوریم با سخنان حالا آن رده ی اول صحابه را ما کار نداریم ببایم رده های بعدی مثل ابو حریره خالد بن ولید امثال آنها این ها را مقایسه کنیم با سخنان اهل بیت علیهم السلام ببینیم مردم چه قضاوت می کنند.

پس نکته ی اول این که کوتاهی مال ما بوده که رسانه های ما بزرگان ما حالا یا امکانات نداشتند یا بوده نتوانستیم این را ما عذر تقصیر به پیشگاه اهل بیت علیهم السلام در رأس امیر المومنین صدیقه ی طاهره و حضرت ولی عصر می بریم که ما در این زمینه کوتاه آمدیم.

این یک نکته ی دوم نسبت به صلفی ها و وهابی ها ما اطلاع رسانی خوب نکردیم نیامدیم حقایق ماهیت این ها را خوب به مردم معرفی کنیم ما می بینیم یک عزیز اهل سنت حالا یک ماموسی آمده است روی تبلیغاتی که این ها داشتند.

تصور می کند بر این که وهابیت و صلفیت هم یک دین است یک مذهب است و هیچ تفاوتی با اهل سنت ندارد آن جا هم ما هم آقایان اهل سنت مقصر هستیم.

ماهیت پلید وهابیت و صلفی ها را خوب نتوانسته ایم ما معرفی کنیم.

نکته ی سوم امیدوارم ان شا الله عزیزان اهل سنت از من نرنجند ولی شما بیایید زندگی ائمه را چهارده معصوم را مقایسه کنید ببینید یک کلام متناقضی بین امام صادق با امام باقر امام باقر با امیر المومنین امام کاظم با امام رضا آیا یک جمله ای علیه یک دیگر در نقض کلام یک دیگر گفته اند؟

ما جایزه می دهیم به شما ولی از آن طرف شما ببینید بزرگان اهل سنت آن هایی که مثلا مالکی هستند علیه ابو حنیفه چه اهانت ها چه جسارت ها چه عبارت های رکیک به کار نبرده اند.

حنفی ها نسبت به جناب مالک چه عبارت های تند نگفته اند نسبت به جناب شافعی چه عبارت های تند نگفته اند ما حداقل بیاییم نظر بزرگان اهل سنت را نسبت به یک دیگر اصلا ما کاری به شیعه هم نداریم.

ما حالا ان شا الله اگر لازم باشد اگر من بدانم عزیزان اهل سنت نمی روند جنگ این ها را من می آورم از کتب اهل سنت آن چه که علیه ابو حنیفه علیه مالک علیه شافعی علیه احمد بن حنبل آورده اند در حد خیلی وقیح تا نسبت به به قول آقایان می گویند امام اعظم ابو حنیفه که آقا نمی دانم از کفر چندین مرتبه توبه کرد.

منی دانم شیطان آن ضربه را نزد که ابو حنیفه چه چه که حتی بعضی از عبارت ها واقعا من خجالت می کشم که بخوادم بیان بکنم.

شما بیاید مقایسه کنید این اهل بیت را با بزرگان این مذاهب اربعه ای که عزیزان اهل سنت ما این همه با نظر قداست نگاه می کنند بعد ببینید واقعا کدام کالا قابل استفاده است؟

انسان کدام کالا را انتخاب می کند؟

ائمه ای که در زیارت عاشورا.

کلامکم نور و امرکم رشد.

ببینید کلام نورانی اهل بیت را شما بیاید همین صحیفه ی سجادیه ی حضرت سجاد را شما ببینید یک

مطالعه بفرمایید ببینید انسان را در چه دنیایی می برد.

یا حالا ما در بعضی از عبارات های نهج البلاغه که حالا بحث های سیاسی را شما کنار بگذارید آن بحث های اخلاقی که امیر المومنین در نهج البلاغه دارد ببینید تمام خلائق غیر از نبی مکرم از حضرت آدم تا زمان هذا یک همچین تعابیر زیبا و سازنده بیان کرده اند یا نه؟

آقای محسنی:

خیلی ممنونیم، جناب آقای آقا محمد از شیراز آخرین بیننده ی ما فکر کنم دیگر باشد چون فرصتمان تمام شده است.

از شیراز از برادران اهل سنت اگر صدای بنده را دارید سلام و عرض ادب دارم.

بیننده:

بله دارم صدایتان را.

آقای محسنی:

فرصتمان هم کوتاه است جناب آقا محمد ان شا الله.

بیننده:

در خدمت هستم.

آقای محسنی:

خیلی ممنونیم در خدمت شما هستیم.

بیننده:

سلام علیکم حاج آقای قزوینی.

آقای قزوینی:

سلام و رحمت الله به محمد آقای بزرگوار.

بیننده:

حاج آقا حالتون خوب است خسته نباشید.

آقای قزوینی:

شما هم خسته نباشید.

آقای محسنی:

در خدمتتان هستیم.

بیننده:

تشکر می کنم امیدوارم خدا به همه ی شما قوت بدهد که معارف اسلام را به جامعه خوب تفهیم بکنید.

آقای قزوینی:

موفق باشید.

آقای محسنی:

ان شا الله.

بیننده:

اما من یک گلایه ای دارم حاج آقا آن هم این است که امروز در شرایطی که دنیای اسلام در معرض هجوم تمام عیار استکبار هست و شما می بینید که دنیای استکبار دارند برای خودشان یار گیری می کنند که اسلام و مسلمین را به عناوین مختلف تحت عناوین شیعه و سنی ببرند.

شما ها بزرگوار هستید و معارف را دارید به جامعه تفهیم می کنید باید این وضع وحدت را هم مد نظر قرار بدهید.

آقای قزوینی:

بله مثلا چه کار کنیم می توانید پیشنهاد بکنید آقای محمد آقا؟

بیننده:

بله شما نگاه کنید الان یک شبکه ای هست تحت عنوان شیعه در افغانستان تحت در آمریکا یک آقای هست به نام آقای الله یاری.

آقای قزوینی:

آن را هم که ما اعلام کردند ایشان احمق است ایشان شیعه نیست شبکه ی ایشان هم شیعی نیست چندین بار هم ما براءت خودمان را هم از شبکه ی ایشان هم از شبکه ی فدک وابسته ی به انگلستان اعلام کردیم ما.

بیننده:

بله حاج آقا ایشان اصلا واقعا به نظر من اصلا کاری نداریم ببینید ائمه مورد احترام همه هستند همه ائمه را دوست دارند علی ابن ابی طالب را دوست دارند.

آقای محسنی:

بله.

بیننده:

و آن هایی هم که جفا کردند به ائمه ی ما قطعاً هر که باشد چه در رده های بالا باشند چه در رده های پایین تر اهل سنت باشند من به شخصه می گویم که این ها واقعا جفایشان را در قیامت پاسخ خواهند داد.

آقای قزوینی:

بله.

بیننده:

اما این که اکنون عرض کنم خدمت شما ما باید به وحدتی که مد نظر حضرت امام خمینی هم بود توجه بکنیم و مسلمین نیت واحد باشند در مقابله ی با استکبار امروز خطر خطر اصلی استکبار هست و این خیلی مسائل داخلی را می شود حل کرد.

آقای محسنی:

جناب آقا محمد ما و برادران اهل سنت الان هم داریم زندگی می کنیم مملکتمان هم شیعه است هم سنی هست داریم زندگی می کنیم و وحدت الحمد لله برقرار است.

مباحثی را که داریم مطرح می کنیم مباحث علمی است و عزیزانی هم که روی خط می آیند خودتان دارید مشاهده می کنید و می شنوید چه گونه داریم بحث می کنیم.

اما این که وهابیت را شما اگر مد نظر دارید بله این ها الان در زیر پرچم اسرائیل دارند آن جنایت ها را می کنند و اگر شما هم بخواهید ما با آن ها وحدت داشته باشیم این اصلاً امکان پذیر نیست.

بیننده:

در آن شکی نیست.

آقای محسنی:

بله.

بیننده:

آن بحث را ما نداریم ببینید ما در کشور خودمان داریم حداقل صحبت می کنیم این جا آدم های بزرگواری هستند که به سنت پیامبر احترام می گذارند این ها را باید زیر چتر رحمت و عرض کنم خدمت شما لطف و بزرگواری نظام قرار داد این ها را نباید.

آقای محسنی:

هست این طور هم هست بله.

بیننده:

این یک بحث.

آقای قزوینی:

الان ببینید آقای محمد آقا بزرگوار الان ما ببینید در این شبکه شبکه ی شیعه است شبکه ی حوزه ی علمیه ی قم است شبکه ی زیر نظر مرجعیت شیعه است ما تا الان نزدیک پنجاه تن از اعلمای بزرگوار اهل سنت از شرق کشور از غرب کشور از سوریه مصر الجزایر حتی از چین آورده ایم این جا این تریبون را در اختیارش قرار دادیم.

آقای محسنی:

این وحدت.

آقای قزوینی:

ببینید و به این ها هم به هیچ وجه تحمیل نکردیم چه بگویید چه نگویید حتی بعضی از این آقایان هم خیلی از خلفا و از اهل سنت و از مذهبشان هم دفاع کردند و یک دفعه هم ما نگفتیم که آقا شما از مذهبتان دفاع نکنید.

از خلفا حرف نزنید از فضائل خلفا هم حرف نزنید از امام جمعه ی موقت جناب ماموسی راستی گرفته است تا از اعلمای بزرگوار شرق کشور و غیره ما ببینید با اهل سنت که ما مشکل نداریم محمد آقای بزرگوار بار ها هم ما گفته ایم اگر یک شیعه بیاید حرفی بزند که عامل تفرقه میان شیعه سنی باشد ما آن را شیعه نمی دانیم.

و یا اگر یک سنی بیاید سخن تفرقه انگیز بزند ما آن را هم سنی نمی دانیم هر شیعه و هر سنی حرفی بزند نتیجه اش تفرقه میان شیعه و سنی باشد ما این را ولوو بلغ ما بلغ وابسته به استکبار جهانی می دانیم ما که هیچ شبهه ای ما نداریم.

جناب آقای محمد آقا بزرگوار ما الان بار ها هم گفته ایم از این ولی بحث های علمی این بحث های علمی ارتباطی به بعضی قضیه ی اختلاف و غیره ندارد حتی خود امام جمعه ی زاهدان هم آقای مولوی عبد الحمید هم در خیلی از سخنرانی هایش آقا بحث های علمی باید بشود.

شیعه عدله ی خودش را بیان کند سنی عدله ی خودش را بیان کند این بحث های علمی ضرورت دارد و این ها نه تنها اختلاف انگیز نیست بلکه مایه ی وحدت هم است الان یک سنی تصور می کند که مثلا شیعه در همین طوری بی خود و بی جهت بدون دلیل مثلا ابو بکر عمر و این ها را قاصب می داند.

و یا یک شیعه تصور می کند که این ها دشمن اهل بیت بودند الان شما در برنامه که خود آیت الله مکارم شیرازی خودشان داشتند اخلاق خوبان یک شیعه آمد برنامه ی زنده هم بود در برنامه ی زنده هم محمد آقا قابل کنترل نیست.

الان حضرت عالی دارید صحبت می کنید ما حتی یک کلمه یک حرف شما را سانسور نمی کنیم اگر یک سنی بیاید بگوید آقا شبکه ی ولایت حرف من را سانسور کرده است ما در خدمتشان هستیم.
در برنامه ی حاج آقا مکارم آمد گفت آقا من قبلا به خلفا فحش می دادم ولی با برنامه هایی که در شبکه ی ولایت من دیدم دیگر از آن اهانت و ناسزا دست برداشتم آقا من کار بدی که نکردم از آقای مکارم سوال کرد.

حاج آقای مکارم گفت نه آقا خیلی کار خوبی کردید آن ها اگر دارند فحش می دهند اهانت می کنند این ها کار نادرستی است دیگر بهتر از این کار وحدت است محمد آقا ما انجام بدهیم که حداقل تعدادی از افرادی که بد بین بودند ناسزا می گفتند اهانت می کردند با دیدن برنامه های ما از این تندی هایشان دست برداشتند.

آقای محسنی:

حاج آقا دو دقیقه فرصت بیش تر نداریم جناب آقا محمد اگر صحبتی دارید تمام بفرمایید که.

بیننده:

ناسزا به ائمه می گویند یا به مفاخر بزرگان اسلام می گویند شما نگاه کنید ما می گوییم پایی در زنجیر پیش دوستان بین چه با نامحرمان در بوستان.

آقای قزوینی:

بله.

بیننده:

استحضار دارید همین حضرت آقای مولوی مولوی را که گفتید عبد الحمید را که گفتید ایشان هم از مفاخر اسلام هستند.

آقای قزوینی:

بله.

بیننده:

ایشان را باید اهمیت داد ایشان را باید ارزش داد که نتوانند شبکه های وهابی ها خارجی ها از ایشان بهره برداری سیاسی بکنند ایشان واقعا دارند به نفع وحدت شیعه و سنی عمل می کنند. من اعتقاد دارم شما هم لطف کنید به ایشان اهمیت بالا تر و بالا تر را بگذارید سپاس گذارم از این که وقتتان را گرفتم.

آقای محسنی:

خیلی ممنون هستیم ان شا الله موفق باشید.

آقای قزوینی:

ما تشکر می کنیم از شما ولی این آقای که شما نام بردید عملا ما این را ندیده ایم از این بزرگوار خیلی رک بگویم ما آماده هستیم ایشان بیاید این جا حرفشان را بزنند ولی به جای این که برود با شبکه ی بی سی یا شبکه ی وهابی تماس بگیرد یا با آقای غرزاوی که امروز یک چهره ی خشن زد شیعه است تماس بگیرد.

این ها یک مقداری این بزرگوار باید احترام خودش را خودش اول نگه دارد.

می گویند وقتی متولیه امام زاده احترام امام زاده را نگه ندارد نباید انتظار از دیگران ما به هیچ وجهی نه به ایشان نه به دیگر عزیزان اهل سنت این جا اجازه نداده ایم کوچک ترین بی احترامی بشود همه ی این عزیزان اهل سنت برای ما محترم هستند.

ولی حالا که حضرت عالی نام بردید ما تقاضایمان از این بزرگواران این است زمینه ی بد بینی دیگران را نسبت به خودشان فراهم نکنند.

امیر المومنان فرمود:

اتقوا من مواضع التهمه.

یا.

من مواضع التهم.

وقتی من به عنوان یک روحانی شیعی بروم فردا با چهار نفر مثلا با مثل الله یاری بنشینم بگو بخند داشته باشم یا به قول یاسر الحبیب بروم بنشینیم با کسانی که مبنای فحش و ناسزا دارند بنشینم در حقیقت احترام خودم را نگه نداشتم.

و نباید هم انتظار داشته باشم دیگران به من احترام بگذارند.

الا ایها حالا تمام این عزیزانی که حضرت عالی نام بردید و دیگر اعلامی اهل سنت برای ما عزیز و محترم هستند و ما تا کنون هم اجازه ندادیم در این جا کوچک ترین اهانتی به این ها بکنند.

آقای محسنی:

حاج آقا فرصتمان تمام شد دعا بفرمایید که.

آقای قزوینی:

خدایا تو را قسمت می دهیم به آبروی محمد و آل محمد هر چه سریع تر لباس فرج بر اندام ملکوتی
مولایمان بیوشان.

آقای محسنی:

الهی آمین.

آقای قزوینی:

و ما را از یاران ویژه ی آن بزرگوار قرار بده.

آقای محسنی:

الهی آمین.

آقای قزوینی:

رفع گرفتاری از همه ی گرفتاران بفرما.

آقای محسنی:

الهی آمین.

آقای قزوینی:

حوائج حاجت مندان روا نما.

آقای محسنی:

الهی آمین.

آقای قزوینی:

حوائج ما حوائج دست اندر کاران شبکه ی جهانی ولایت حوائج تمام ولایتی ها حوائج بینندگان عزیز آن
هایی که تکرار برنامه را می بینند خدا به آبروی محمد و آل محمد حوائج همه و همه را بر آورده نما دعاهای ما را
به اجابت برسان.

و السلام علیکم و رحمته الله و برکاتو.

آقای محسنی:

خیلی ممنون و سپاس گذاریم حضرت استاد و از شما بینندگان عزیز هم که تا این لحظه همراه ما بودید
سپاس گذاری می کنیم از هم کاران عزیزم که برنامه را تدارک دیدند ممنون هستیم.

ان شا الله در رأس همه دعاهایمان فرج امام زمان علیه السلام را در خواست بکنیم و عرض می کنیم.

اللهم عجل لولیک الفرج.

التماس دعا و خدا نگه دار شما عزیزان.